



## The Viewpoints of Exegetes on the Meaning of “The Assumption of the Humble Regarding the Meeting with the Lord”

Fatemeh Zahra Amiri<sup>1</sup> | Saheb Ali Akbari<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, MA Student in Quranic Sciences and Hadith, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: [fzamiri313@gmail.com](mailto:fzamiri313@gmail.com)
2. Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: [akbari-s@um.ac.ir](mailto:akbari-s@um.ac.ir)

### Article Info

#### Article type:

Review Article

Received: 26 January 2025

Revised: 15 May 2025

Accepted: 9 June 2025

Available Online: 28 June 2025

#### Keywords:

Ẓann (assumption, suspicion), Liqā' al-rabb (meeting with the Lord), Resurrection, Khāshī'in (the humble), Prayer.



### Abstract

*The term ẓann (assumption, suspicion) is one of the frequently used words in the Holy Quran and holds a significant position in both doctrinal and ethical verses. In some Quranic verses, commentators' opinions regarding the meaning of the word ẓann are a matter of dispute. One of the debated verses is verse 46 of Surah Al-Baqarah, which concerns the suspicion of the humble (khāshī'in) regarding the meeting with their Lord (liqā' al-rabb). On this issue, commentators hold three general viewpoints. The majority interpret ẓann as certainty, some consider it as conjecture inclined to certainty, and a third group interprets ẓann in the verse based on its apparent meaning, that is, assumption. Each of these three viewpoints is accompanied by arguments from the Exegetes, and expressing and critiquing them is important as it has multiple doctrinal and ethical implications. The present study, employing an analytical-descriptive method and relying on library resources, seeks to answer the fundamental question: What is the meaning of the term ẓann and the context of realization of liqā' al-rabb (meeting with the Lord) in verse 46 of Surah Al-Baqarah? What emerges from the apparent meaning of this verse is that liqā' al-rabb has been realized in the worldly realm for the humble, and therefore, there is no objection to interpreting ẓann in its apparent sense, that is, "conjecture." The reasons supporting this interpretation, besides the incompleteness and refutability of previous viewpoints, include: the minimal description of God about humble worshippers if liqā' al-rabb is to take place in the Hereafter; the conformity of the suspicion of the humble regarding the meeting with their Lord during this worldly life with their characteristic humility; and the occurrence of liqā' al-rabb in the prayer of the humble.*

**Cite this article:** Amiri, F.Z.; Akbari, S.A (2025). The Viewpoints of Exegetes on the Meaning of “The Assumption of the Humble Regarding the Meeting with the Lord”. *Quranic Doctrines*, 22(41), 265-287.

<https://doi.org/10.30513/qd.2025.6742.2496>



© The Author(s). Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



## دیدگاه مفسران در خصوص مفهوم «ظنّ خاشعان به لقاء رب» در بوته نقد

فاطمه زهرا امیری<sup>۱</sup> | صاحبعلی اکبری<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، دانشجو کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: [fzamiri313@gmail.com](mailto:fzamiri313@gmail.com)

۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: [akbari-s@um.ac.ir](mailto:akbari-s@um.ac.ir)

### چکیده

واژه «ظنّ» از واژه‌های پرکاربرد در قرآن کریم است و جایگاه مؤثری در آیات اعتقادی و اخلاقی دارد. در برخی از آیات قرآن کریم، نظر مفسران در خصوص معنای واژه «ظنّ»، محل نزاع است. یکی از آیات مورد بحث، آیه ۴۶ سوره بقره است که در خصوص ظنّ خاشعان به ملاقات رب است. در این خصوص مفسران دارای سه دیدگاه کلی هستند. اکثر مفسران ظنّ را به معنای یقین و برخی دیگر آن را گمان متمایل به یقین می‌دانند و گروه سوم، ظنّ در آیه مورد بحث را حمل بر ظاهر می‌کنند. هر کدام از این سه دیدگاه از سوی مفسران با استدلالاتی همراه است که بیان و نقد آن دارای اهمیت است و ثمرات اعتقادی و اخلاقی متعددی دارد. در پژوهش حاضر به روش تحلیلی-توصیفی و به استناد منابع کتابخانه‌ای به این پرسش اساسی پاسخ داده می‌شود که مفهوم واژه «ظنّ» و ظرف تحقق «لقاء رب» در آیه ۴۶ سوره بقره چیست. آنچه از ظاهر این آیه به دست می‌آید، این است که «لقاء رب» در بستر دنیا برای خاشعان محقق شده است و از این رو هیچ محدودی برای حمل واژه «ظنّ» بر معنای ظاهری‌اش یعنی «گمان» وجود ندارد. دلایل این برداشت از آیه علاوه بر ناتمامی و نقدپذیر بودن دیدگاه‌های گذشته، عبارت است از: حداقلی بودن توصیف خداوند از نمازگزاران خاشع در صورت تحقق «لقاء رب» در آخرت؛ مطابقت ظنّ خاشعان به لقاء رب در بستر دنیا با ویژگی خشوع ایشان و وقوع لقاء رب در نماز خاشعان.

### اطلاعات مقاله

#### نوع مقاله: ترویجی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۷

### کلیدواژه‌ها

ظنّ، لقاء رب، معاد، خاشعان، نماز.



**استناد:** امیری، فاطمه زهرا؛ اکبری، صاحبعلی. (۱۴۰۴). دیدگاه مفسران در خصوص مفهوم «ظنّ خاشعان به لقاء رب» در بوته نقد. آموزه‌های قرآنی، ۲۲(۴۱)، ۲۶۵-۲۸۷.

<https://doi.org/10.30513/qd.2025.6742.2496>



## مقدمه

واژه «ظن» از واژه‌های نسبتاً پرکاربرد در قرآن کریم است. ماده «ظنن» دارای ۶۹ بسامد است و در ۵۷ آیه به کار رفته است. واژه «ظن» و فهم معنای آن جایگاه مؤثری در آیات اعتقادی و اخلاقی دارد. همچنین فهم معنای آن، مؤثر در فهم واژگانی است که در یک حوزه معنایی با واژه «ظن» قرار دارند. مفسران در خصوص آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ أَهْلَهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمُ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ «آنان که گمان دارند دیدارکننده پروردگارشان خواهند بود و قطعاً به سوی او بازمی‌گردند» (بقره/۴۶) که در مورد ظن خاشعان به ملاقات رب است، نظرات متفاوت و متعارضی بیان داشتند. به نظر می‌رسد نزاع مفسران درباره معنای «ظن»، ریشه در متعلق ظن (...أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ...) و مجادلات کلامی متکلمان در خصوص کفایت عقیده ظنی یا لزوم رسیدن به عقیده یقینی دارد. در پژوهش حاضر بنا داریم به روش تحلیلی-توصیفی و به استناد منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به این پرسش اساسی برآیم که مفهوم واژه «ظن» و ظرف تحقق «لقاء رب» در آیه ۴۶ سوره بقره چیست؟ برای پاسخ به این پرسش به بررسی و نقد اقوال مفسران می‌پردازیم.

**پیشینه پژوهش:** درباره این موضوع پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به‌رغم تلاش‌های ارزشمند نویسندگان آن‌ها، از منظر نگارندگان از جهاتی دارای نقص و اشکال است که در ذیل به بیان آن‌ها و سپس وجه تمایز پژوهش پیش‌رو با پژوهش‌های انجام شده می‌پردازیم.

پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص آیه مورد بحث به دو دسته کلی قابل تقسیم است: در برخی از پژوهش‌ها «ظن» در آیه محل بحث برخلاف ظاهر، به معنای «یقین» است، زیرا «لقاء رب» مساوی با معاد دانسته شده است، مانند مقاله «معناشناسی «ظن» در قرآن کریم» از سید محمود طیب حسینی.

برخی دیگر از پژوهشگران برخلاف نظر اخیر، «ظن» در آیه مورد بحث را حمل بر ظاهر کرده و آن را به معنای گمان دانسته‌اند. در این پژوهش‌ها «لقاء رب» یکی از اتفاقات قیامت دانسته شده است. این پژوهش‌ها عبارت‌اند از:

■ مقاله «پژوهشی در معنای ظن و جایگاه معرفتی و اخلاقی آن در قرآن» از محمدکاظم شاکر (۱۳۸۶).

■ مقاله «بررسی آرای مفسران در فلسفه به‌کارگیری «گمان به رستاخیز» به جای «یقین به آخرت» در تفسیر آیه ۴۶ بقره» از احمد آقائی زاده ترابی (۱۴۰۰).



■ مقاله «کاربرد ظن در قرآن کریم؛ تأملی پیرامون اقوال مفسران در تفسیر "ظن" به "یقین"» از مریم ساجدی (۱۳۹۸).

وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به موارد اخیر در شیوه استدلال و نتیجه حاصل از نقد و بررسی اقوال مفسران است. برخلاف پژوهش‌های گذشته که در خصوص آیه ۴۶ سوره بقره، «ظن» به معنای یقین دانسته شده است، در مقاله پیش‌رو «ظن» به معنای حقیقی آن یعنی گمان اخذ شده است. همچنین در مقالات مذکور، «لقاء رب» در بستر معاد دانسته شده است، در حالی که به نظر می‌رسد «لقاء رب» در بستر دنیا محقق شده باشد. در پژوهش حاضر برآنیم تا مراد از «لقاء رب» و ظرف تحقق آن را روشن سازیم و دیدگاه‌های مغفول و دسته‌بندی‌های دارای اشکال در آثار اخیر را برطرف سازیم.

### ۱. بررسی مفهوم لغوی «ظن»

در خصوص معنای «ظن»، میان لغویان اختلاف هست. تنها تعداد محدودی از لغویان قائل‌اند که ظن معنای واحدی دارد که عبارت است از «گمان» (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۹۳). اکثر ایشان «ظن» را از اضداد می‌دانند که به معنای گمان و نیز یقین است. پیروان این نظر به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند: گروهی در خصوص اضداد بودن «ظن» توضیحی ارائه نمی‌دهند و هر دو معنا را بدون هیچ قیدی می‌پذیرند (فراهِیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۵۲). برخی دیگر معتقدند معنای یقین برای ظن مجازی است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۱۶؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۸۶) که حمل آن بر یقین طبعاً نیازمند قرینه است. گروه سوم نیز در صورتی ظن را به معنای یقین می‌دانند که محصول اماره‌ها، نشانه‌ها، تعقل و تدبیر باشد که می‌تواند با نوعی احتمال خلاف همراه باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۷۲). گروه سوم به نوعی با فراهِیدی همراه‌اند، چون ظن را به معنای شک و یقین می‌دانند، هرچند تفسیر این گروه از یقین، یقین تدبیر است نه یقین عیانی. می‌توان از گروه چهارمی نیز نام برد که معتقدند «ظن» اسمی است که از نشانه و اماره حاصل می‌شود. اگر آن نشانه قوی باشد به علم منتهی می‌گردد و اگر ضعیف باشد، از حد توهم تجاوز نمی‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۳۹). نظر این گروه را نیز می‌توان ملحق به نظر اکثر لغویان کرد.

صاحبان کتب وجوه و نظائر نیز وجوهی برای معنای «ظن» ذکر کرده‌اند، از جمله: یقین، شک، پندار، تهمت (دامغانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۱). برخی نیز به معانی دیگری از «ظن» همچون



گمان، بداندیشی و پنداشتن اشاره دارند (تفلیسی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۸). بعضی نیز تنها به دو وجه یقین و شک اشاره می‌کنند (عسکری، ۱۴۲۸، ص ۳۳۲).

## ۲. اصالت تعابیر قرآنی

یکی از مبانی اصیل در فهم و تفسیر قرآن، حجیت ظواهر آن است که مهم‌ترین دلیل آن، بنای عقلاست، زیرا روش عقلا آن است که در تعیین مراد و مقصود گوینده، به ظاهر کلام او استدلال و از آن پیروی می‌کنند و شارع مقدس نیز ضمن تأیید این روش، روش دیگری را بیان نفرموده و صرفاً روش عقلا را تقریر و تثبیت کرده است. از این رو حجیت ظواهر در تفسیر قرآن نیز جریان دارد. روشن است که پذیرش یا عدم پذیرش حجیت ظواهر قرآن، در تفسیر بخش عظیمی از آیات مؤثر است (صدر، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۵۰؛ ج ۲، ص ۱۸۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳۳). از نتایج پذیرش اصل حجیت ظواهر قرآن، «اصالت تعابیر قرآنی» است. در توضیح باید گفت: هر تعبیر قرآنی بر پایه مفهوم‌سازی خاصی مبتنی است که با تعابیر دیگر متفاوت است و بر این اساس باید به خود عبارات که مفهوم‌سازی مبتنی بر آن است توجه کرد، نه به موقعیت‌هایی که برگرفته از عبارات است. به بیان دیگر، باید میان موقعیت‌های قرآنی و تعابیر مختلف از آن موقعیت‌ها تمایز قائل شویم. مراد از موقعیت قرآنی واقعیتی است که آیه‌ای از قرآن آن را توصیف می‌کند که می‌توان از آن واقعیت، تعابیر مختلفی استخراج کرد، حال آن‌که آیه نیز تعبیر خاصی از آن موقعیت را نشان می‌دهد. «اصالت تعابیر قرآنی» به این معناست که مفسر باید از تبدیل و تحول تعبیری به تعبیر دیگر بپرهیزد و مفهوم‌سازی هر تعبیر را آن‌گونه که هست، استخراج کند و هیچ چیز را جایگزین تعبیر قرآنی نسازد (نک: قائمی‌نیا، ۱۴۰۱، ص ۱۳۰ و ۱۳۱). «اصالت تعابیر قرآنی» دارای دو اصل فرعی است: اولاً در هر موقعیتی که خداوند بنا بر توصیف آن داشته است، تنها یک تعبیر مناسب قرآنی وجود دارد. ثانیاً هر تعبیر قرآنی فقط با یک توصیف از موقعیت مورد نظر متناسب است که خداوند بنای توصیفش را داشته است. تأکید بر این نکته ضروری است که یکی از پیامدهای مهم این نظریه، رد مترادف در الفاظ قرآنی است (قائم‌نیا، ۱۴۰۱، ص ۱۳۰ و ۱۳۱). شایان ذکر است که مفهوم‌سازی‌های نهفته در تعابیر قرآنی، از طریق اطلاعات بافت و سیاق درونی آیات به دست می‌آید و بر این اساس می‌تواند



نحوه مفهوم سازی را روشن سازد. به بیان دیگر، می توان این اصل را «اصل تعیین پذیری» بنامیم و بر اساس همین اصل، مفهوم «ظن» در آیه مورد بحث را بررسی کنیم.

### ۳. جایگاه نسبت «ظن» به خاشعان در «لقاء رب» بر اساس سیاق آیات

طبق تصریح بعضی از قرآن پژوهان، سوره بقره نخستین سوره ای است که در مدینه نازل شد. قسمت مهمی از این سوره درباره یهود بحث می کند، زیرا یهود در آن جا معروف ترین جمعیت پیروان اهل کتاب بودند، و قبل از ظهور پیامبر ﷺ طبق کتب مذهبی خود انتظار چنین ظهوری را داشتند و دیگران را به آن بشارت می دادند. اما با ظهور اسلام که مانعی بر سر راه منافع نامشروع آنان به حساب می آمد و جلوی انحرافات و خودکامگی های آنان را می گرفت، نه تنها غالباً دعوت اسلام را نپذیرفتند، بلکه در آشکار و نهان بر ضد اسلام قیام کردند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲).

خداوند متعال در قرآن کریم از آیه ۴۰ این سوره در سیاق آیاتی که خطاب اولیه آن به بنی اسرائیل است، از آنان می خواهد که نسبت به نعمت های خداوند بر ایشان متذکر گردند و به عهد و وفای خویش با خداوند وفا کنند و به پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم ایمان آورند و حقیقتی که دریافت کرده اند را کتمان نکنند و همان گونه که دیگران را به نیکی سفارش می کنند، خود از نیکی کردن فراموش نکنند. در ادامه نیز به آنان امر می کند که برای موفقیت در این مسیر از صبر و نماز استعانت جویند:

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝۴۱﴾ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ۝۴۲﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾

(بقره/ ۴۴-۴۶).

گرچه روی سخن در آیات فوق همچون آیات قبل و بعد، به بنی اسرائیل است، ولی مسلماً مفهوم آن گسترده است و دیگران را نیز شامل می شود.

طبرسی در مجمع البیان گفته است که علما و دانشمندان یهود قبل از بعثت پیامبر ﷺ مردم را به ایمان به وی دعوت می کردند و بشارت ظهورش را می دادند، ولی خود هنگام ظهور آن حضرت از ایمان آوردن خودداری کردند. حتی بعضی از علمای یهود به بستگان خود که اسلام آورده بودند توصیه می کردند به ایمان خویش باقی و ثابت بمانند، ولی خودشان ایمان نمی آوردند (طبرسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۴ و ۱۵۵).



علمای یهود از این می‌ترسیدند که اگر به رسالت پیامبر اسلام ﷺ اعتراف کنند کاخ ریاستشان فرو ریزد و عوام یهود به آن‌ها اعتنا نکنند، لذا صفات پیامبر اسلام ﷺ را که در تورات آمده بود دگرگون جلوه دادند. قرآن برای این‌که انسان بتواند بر امیال و خواسته‌های دل پیروز گردد و حب جاه و مقام را از سر بیرون کند، در آیه بعد چنین می‌گوید: «از صبر و نماز یاری جویید» و با استقامت و کنترل خویشتن، بر هوس‌های درونی پیروز شوید (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۱۶).

به نظر می‌رسد بازگشت ضمیر «هاء» به «استعانت» که جمله «استعینوا» متضمن آن است، با جمله «إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» منافات دارد، زیرا ارتباط معنایی وثیقی میان خشوع و صبر مشاهده نمی‌گردد. در نتیجه، بازگشت ضمیر «هاء» به «صلاة» مناسب‌تر است، زیرا از مهم‌ترین ویژگی‌های مؤمنان خشوع آنان در نماز است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۵۲)، همچنان‌که خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مؤمنون/ ۱ و ۲). سپس خداوند در آیه مورد بحث، نمازگزاران خاشع را چنین وصف می‌کند: «الَّذِينَ يُطِئُونَ أَمْرَهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/ ۴۶). آیه مذکور در رابطه با ظن نمازگزاران خاشع در خصوص لقای پروردگار و بازگشتشان به سوی اوست.

#### ۴. ارزیابی دیدگاه مفسران درباره ظن خاشعان به ملاقات رب

از آن‌جاکه دیدگاه مفسران در خصوص معنای ظن در آیه متأثر از مفهوم و کیفیت لقای پروردگار است، اجمالاً این تعبیر را فارغ از معنای آن در آیه مورد بحث، بررسی خواهیم کرد.

##### ۴-۱. مراد از ملاقات رب

ماده «لقی» در تمام مشتقاتش معانی مشترک و ثابتی دارد، از جمله: روبه‌رو شدن، معاینه و دیدن همراه با ارتباط با یکدیگر. البته این معانی قیودی نیز دارند، اما آنچه روشن است آن است که این لقا و به عبارتی دیدار و مقابله، با تحقق ارتباط بین دو نفر امکان‌پذیر است و آن، متوقف بر تحقق وجود تناسب و نزدیکی میان دو دیدارکننده است، خواه این تناسب مادی باشد، خواه معنوی. به بیانی دیگر، لقای هر چیز علم یافتن به وجود آن است، به طوری که دیگر میان آن دو حجابی نباشد. با توجه به بیان اخیر، لقا در قرآن کریم به انواعی قابل تقسیم است، از جمله لقای مادی، لقای روحانی در دنیا، لقا در عالم آخرت و لقای شر (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۰، ص ۲۵۲-۲۵۳). آنچه مسلم است آن است که رسیدن به لقای خداوند امری مادی نیست، زیرا خداوند فاقد جسم



است و رؤیت جسمانی خداوند امکان ندارد. حال باید بیان داشت که مراد از «مُلاقُوا رَبَّهُمْ»، لقاء روحانی در دنیا مدنظر است یا در آخرت.

قرآن کریم در مواردی تعبیر «لقاء» را هم نشین با «الآخره» و «یوم» قرار داده است: «وَالَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (اعراف/۱۴۷)؛ «وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ» (جاثیه/۳۴). واضح است که در این موارد، مراد از «لقاء»، لقا در عالم آخرت است. اما در مواردی تعبیر «لقاء» را هم نشین با «رب» و «الله» قرار داده است: «وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ» (هود/۲۹)؛ «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (عنکبوت/۵). باید توجه داشت که رسیدن به لقای الله و لقای رب، در حقیقت، به معنای علم به وجود خداوند و نبود حجاب و مانع میان بنده و پروردگارش است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۰۲). در نتیجه، این لقا می تواند در دنیا برای اولیای خداوند و در آخرت برای همگان اعم از مؤمنان و کافران محقق شود، زیرا روز قیامت روز ظهور حقایق است: «يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ» (نور/۲۵).

البته در خصوص لقای پروردگار نظرات دیگری نیز وجود دارد، همچون بعثت، رسیدن به عاقبت زندگی و دیدار ملک الموت و حساب و جزا، ملاقات جزای خدا یعنی ثواب یا عقاب او و ملاقات حکم او در روز قیامت. به نظر می رسد این نظرات برخلاف ظاهر کلام است و پذیرفتنی نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۰۲).

#### ۴-۲. مراد از «ظن» خاشعان به ملاقات رب

در خصوص معنای ظن در «يُظُنُّونَ» نظرات متعارضی بیان شده است که در ذیل به بیان و نقادی آن می پردازیم.

##### ۴-۲-۱. ارزیابی معنای «یقین» از واژه «ظن» و دلایل آن

گروهی ظن در «يُظُنُّونَ» را به معنای یقین می دانند و برای اثبات مدعای خویش استدلال هایی بیان کرده اند که در ذیل به بیان و ارزیابی آن ها می پردازیم.

##### ۴-۲-۱-۱. استناد به قول لغویان و استعمال عرب

برخی مفسران با استناد به قول لغویان و استعمال عرب در اشعار، برای «ظن» دو معنا پنداشته اند:



یکی «یقین» و دیگری «شک»، همان‌گونه که واژه «سدفه» گاهی به معنای «ظلمت» و گاهی به معنای «روشنایی» استعمال شده است یا واژه «صارخ» هم به معنای «فریادرس» و هم به معنای «یاری طلب» آمده است (نک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۶). ایشان گفته‌اند که اگر مراد از «ظن» در این آیه «شک» باشد به این معناست که خاشعان شک به لقاء الله دارند و این کفر نسبت به خداوند است. از همین رو، واژه «ظن» در این آیه را به معنای «یقین» دانسته‌اند.

**نقد و بررسی:** چنان‌که گفته شد، استدلال فوق با استناد به قول لغویان و استعمال عرب در اشعار مطرح شده است، درحالی‌که دقت در منابع لغوی نشان می‌دهد که لغویان با نگاه به قرآن و مشاهده دغدغه تفسیری و کلامی مفسران، معنای یقین را از معانی ظن شمرده‌اند، فارغ از این‌که چه بسا این آیات تفسیر دیگری داشته باشند که «ظن» در آن به معنای «یقین» نباشد. این دسته از لغویان اگر به ندرت شاهی از اشعار عرب آورده‌اند، آن شعر نیز صراحت و قطعیتی در مقصود آنان ندارد، زیرا امکان تفسیر دیگری نیز برای آن هست. البته باید توجه داشت که به فرض قطعیت و صراحت معنای یقین برای «ظن» در اشعار عرب، دلیلی تام بر اثبات وجود چنین معنایی در قرآن نخواهد بود. به نظر می‌رسد این گروه از مفسران علاوه بر استناد به قول لغویان و استعمال عرب، با پیش‌زمینه کلامی که شک به ملاقات رب کفر است، «ظن» در این آیه را به معنای «یقین» گرفته‌اند که در جای خود به نقد آن نیز می‌پردازیم.

#### ۲-۱-۲-۴. «یقین» تنها راه رسیدن به خشوع حقیقی

گروهی دیگر از مفسران بیان می‌دارند که تنها یقین است که انسان را خاشع قطعی و خاکسار یقینی می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۱۷۳) و شایسته نیست خداوند اهل خشوع را به داشتن ظن به ملاقات الهی وصف کند، درحالی‌که همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، طبق یک معنا «ظن» قرین شک است و شک به لقاء الهی کفر محسوب می‌شود. لذا تنها «یقین» است که انسان را به مرحله خشوع حقیقی می‌رساند و آدمی با «ظن»، به این درجه از خشوع واصل نمی‌گردد.

**نقد و بررسی:** در پاسخ به استدلال فوق که تنها راه رسیدن به خشوع حقیقی را یقین می‌داند، می‌توان گفت که آیه در مقام توصیف نمازگزاران خاشع است، نه به دنبال سبب خشوع ایشان. همچنین باید توجه داشت که هر یقینی منجر به ایمان و خشوع نمی‌گردد، چنان‌که در آیه‌ای به صراحت به این مطلب اشاره شده است: ﴿وَجَعَدُوا بِهَا وَأَسْتَيْقِنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾ (نمل/۱۴).



### ۳-۱-۲-۴. توصیف اهل ایمان به «یقین» در آیات قرآن کریم

یکی دیگر از دلایل قائلان به معنای «یقین» در این آیه استدلال به برخی دیگر از آیات قرآن کریم است که در آن آیات اهل ایمان با صفت «یقین» توصیف شده‌اند: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره/۴). این آیه شریفه در خصوص اوصاف متقین است که یقین به آخرت را از اوصاف بارز ایشان برشمرده است. از این رو در آیه محل بحث نیز «ظن» به معنای یقین است نه گمانی که قسیم یقین و در برابر آن باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۱۷۳).

نقد و بررسی: در پاسخ به استدلال فوق و تنظیر آیه محل بحث به آیه ۴ سوره بقره و واحد پنداشتن لقای رب و لقای آخرت در این آیات، باید گفت که این دو آیه دارای دو موضوع متفاوت‌اند، لذا تنظیر آن‌ها با یکدیگر قیاس و باطل است، زیرا یکی در خصوص یقین اهل تقوا به آخرت و دیگری در خصوص ظن خاشعان به لقاء الله است و لقاء الله برابر با روز قیامت و ایمان به سرای آخرت نیست و همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد و در ادامه نیز بیشتر توضیح داده خواهد شد، لقای رب متفاوت از لقای آخرت است و ممکن است در این دنیا نیز برای خواص بندگان خدا از جمله نمازگزاران خاشع محقق شود.

### ۴-۱-۲-۴. توجه به بلاغت قرآن از طریق مجاز

برخی دیگر نیز «ظن» در آیه مورد بحث را مجاز از علم دانسته‌اند و قرینه آن را سیاق آیه گرفته‌اند که در مقام مدح خاشعان است، زیرا اگر مراد از «ظن» همان «شک» نسبت به ملاقات رب و بعث و نشور باشد، مذموم است نه ممدوح (رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۵۸-۲۵۹).

**نقد و بررسی:** در پاسخ به استدلال فوق می‌توان گفت: همان‌طور که بیان شد، رسیدن به لقای پروردگار به معنای علم به وجود پروردگار و عدم وجود حجاب میان بنده و خداوند است. این امر بی‌شک برای اولیای خداوند در دنیا محقق شده است، هرچند اکثر مردم در آخرت به این علم خواهند رسید. پس لقای رب متفاوت از لقای آخرت است و ممکن است در این دنیا نیز برای خواص بندگان خدا از جمله نمازگزاران خاشع محقق شود. در نتیجه، ظن به لقای رب به معنای ظن به معاد نیست، بلکه به معنای ظن به رسیدن به مقام علم به وجود الهی است که ممکن است در دنیا یا آخرت رخ دهد و هیچ محذوری در کار نیست که نمازگزاران خاشع به سبب خشوعشان، ظن به لقای رب داشته باشند، همچنان‌که خداوند در آیاتی، امید به لقای پروردگار را نیز ستوده است:



﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف/ ۱۱۰). در توضیح باید گفت: از آن جاکه رجا نوعی ظن است که اقتضا دارد ماحصل آن مسرت بخش باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۶)، در نتیجه، هیچ محذوری در کار نیست تا ما ظن به لقاء الله را امری ممدوح بدانیم. البته باید این را نیز بگویم که رسیدن به مقام قطع و یقین به لقاء الله شایسته‌ترین مقام است: ﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا... يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ﴾ (رعد/ ۲). اما آنچه از دیدگاه قرآن مذموم است، کفر و تکذیب لقای رب است، نه ظن و گمان به آن: ﴿وَقَالُوا إِذَا صَلَّلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ﴾ (سجده/ ۱۰).

علاوه بر پاسخ مذکور، برخی به پاسخی دیگر اشاره دارند و بیان می‌دارند: لقای رب تنها یکی از اتفاقات مهم قیامت است و حتی اگر مراد از لقای رب، روز جزا باشد، قطع و یقین به روز جزا بالاترین مرتبه از اعتقاد است که با پیمودن مراحل سلوکی و شاید برای برخی با مرگ حاصل شود. بنابراین قرآن، ظن به ملاقات خداوند راستوده است، هرچند رسیدن به مقام قطع و یقین را نیز بایسته بدانند (ساجدی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲).

اشکال توجیه مذکور در آن است که اولاً مراد از لقای رب لزوماً از اتفاقات مهم قیامت نیست و ممکن است همچنان که بیان شد، در دنیا نیز رخ دهد. ثانیاً وقتی خداوند در آیه مذکور در مقام توصیف نمازگزاران خاشع است، شایسته نیست که به توصیفی حادقلی بسنده کند. علاوه بر این، کاربرد مجازی «ظن» در معنای «یقین» با یک مشکل روبه‌روست و آن این‌که جواز حمل لفظ بر معنای مجازی منوط به ناامید شدن مفسر از کاربرد لفظ در معنای حقیقی است. بنابراین نخست باید تلاش کرد تا «ظن» را بر معنای حقیقی آن حمل کرد و اگر امکان نداشت، معنای مجازی را پذیرفت، حال آن‌که چنین قرینه‌ای وجود ندارد.

#### ۵-۲-۴. استناد به روایت

گروهی از طریق استدلال روایی و با استناد به روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام بیان می‌دارند که مراد از ظن در آیه مذکور «یقین» است: «وَعَنْ أَبِي مَعْمَرٍ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام فِي قَوْلِهِ: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» يَقُولُ: يُوقِنُونَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ وَالظَّنُّ مِنْهُمْ يَقِينٌ؛ از ابومعمر از امام علی علیه السلام درباره سخن خداوند: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» روایت شده است که فرمود: یعنی آنان یقین دارند که برانگیخته خواهند شد، و در این جا «ظن» به معنای یقین است» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۴).



همچنین در کتاب التوحید شیخ صدوق (ره) در روایاتی نسبتاً طولانی به نقل از امیرمؤمنان علیه السلام آمده است: «...الَّذِينَ يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ يَغْنِيُ يُوقِنُونَ أَنَّهُمْ يُبْعَثُونَ وَيُخْشَرُونَ وَيُحَاسِبُونَ وَيُجْزَوْنَ بِالْثَوَابِ وَالْعِقَابِ فَالظَّنُّ هَاهُنَا الْيَقِينُ...»؛ «الَّذِينَ يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» یعنی آنان یقین دارند که برانگیخته می شوند و جمع می گردند و مورد محاسبه قرار می گیرند و پاداش و کیفر داده می شوند. پس در این جا «ظن» به معنای یقین است» (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۲۶۷). به عقیده این دست از مفسران، در این دو روایت به صراحت «ظَنُّ» به معنای «یقین» دانسته شده است. اما این ادعا مخدوش است که به نقد آن خواهیم پرداخت.

**نقد و بررسی:** در نقد روایات فوق می توان گفت که برخلاف ادعای مذکور، روایت اول صراحتی در معنای یقین بودن واژه «ظَنُّ» ندارد، زیرا ممکن است مقصود از عبارت «وَالظَّنُّ مِنْهُمْ يَقِينُ» این باشد که «ظن» آنان از لحاظ ارزش و اهمیت، به منزله یقین است، زیرا اگر مقصود این بود که ظن در این جا به معنای یقین است، بهتر بود مانند روایت دوم گفته می شد: «وَالظَّنُّ هَاهُنَا الْيَقِينُ».

همچنین در بحث از حجیت روایات در تفسیر که جملگی خبر آحادند و بررسی آن مباحث درازدامنی است که از طرح آن می گذریم، اجمالاً می توان گفت که خبر واحد هر گاه اخبار از تحقق پدیده ای یا نقل سخن از کسی باشد، حجیت آن به این معناست که باید بنا را بر تحقق آن گذاشت و به لوازمش همچون انجام یا ترک عمل در صورتی که خبر واحد متضمن امر و نهی باشد، تن داد. سیره عقلا در معتبر دانستن خبرهای مورد اطمینان نیز چیزی جز این نیست و التزام شارع به حجیت خبر واحد به معنای تأیید سیره عقلا در این باره است. ولی هر گاه محتوای خبر واحد ایجاد عقیده و باور قلبی در کسی باشد، طبعاً حجیت تبعیدی آن نمی تواند چنین باور و عقیده ای را در فرد ایجاد کند، زیرا رسیدن به علم و عقیده، نیازمند دلیل قطعی و اطمینان بخش است و در صورت وجود کمترین شکی، علم و باور شکل نمی گیرد، و از آن جاکه خبر واحد ظنی همیشه با درصدی از شک و احتمال خلاف واقع همراه است، نمی تواند چنین اثری در فرد ایجاد کند (خامنه ای، ۱۴۰۳، ص ۱۳۳-۱۳۴؛ نیز نک: معرفت، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۳-۱۸۳).

همچنین به اقتضای اخبار عرضه، باید هر خبری را که مخالف با ظاهر قرآن است طرد نمود، مگر آن که قرینه ای بر پذیرش خلاف ظاهر یا محذوری بر پذیرش ظاهر آیه وجود داشته باشد (برای نمونه نک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۴۶۳؛ ج ۲۷، ص ۱۱۰).



## ۴-۲-۲. ارزیابی معنای «گمان متمایل به یقین» از واژه «ظن»

این قول را علی بن ابراهیم قمی گفته است. او ظن در قرآن را دو نوع می‌داند و به دو تعبیر «ظن یقین» و «ظن شک» در این خصوص اشاره دارد (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۶). از آن جا که این دو تعبیر چندان آشنا و رایج نیست، می‌توان گفت او ظن در قرآن را به دو نوع تقسیم کرده است: ۱. ظن به معنای شک یا متمایل به شک؛ ۲. ظن به معنای یقین یا متمایل به یقین. قمی در ادامه بیان خود، ظن در آیه مورد بحث را ظن یقین یا به عبارتی، ظن متمایل به یقین می‌داند (نک: قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۶).

**نقد و بررسی:** در نقد این دیدگاه باید گفت که این مطلب ادعای بدون دلیل است، چنان‌که خود علی بن ابراهیم نیز دلیلی بر مدعای خود ارائه نداده است. همچنین نسخه‌های موجود از تفسیر قمی در بردارنده عبارت‌هایی است که انتساب حداقل بخشی از کتاب حاضر را به علی بن ابراهیم تضعیف می‌کند. برای نمونه، کتاب حاضر به تفسیر القمّی ارجاع می‌دهد. گویا این کتاب غیر از تفسیر قمی است و از آن بهره برده است. علاوه بر این، احادیثی از محدّثان بعد از علی بن ابراهیم مانند ابن عقده (۲۴۹-۳۳۲ ق)، محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری و ابن همام اسکافی (م ۳۳۶ ق) در نسخه حاضر نقل شده، که در هیچ‌سندی یافت نشده است که علی بن ابراهیم از آنان نقل حدیث کند. در موارد بسیاری نیز احادیث کتاب به جای این‌که به گونه مستقیم از استادان و مشایخ وی نقل شوند، واسطه دارند و از طریق اشخاص معاصر با علی بن ابراهیم نقل شده‌اند. گرچه این قرینه‌ها به تنهایی قابل پاسخ‌اند، اما مجموع آن‌ها بیانگر این مطلب است که مؤلف کتاب موجود، علی بن ابراهیم نیست و به احتمال فراوان، مؤلف کتاب، علی بن ابی سهل مشهور به علی بن حاتم قزوینی (زنده در ۳۵۰ ق) است (مسعودی، ۱۳۹۵، ص ۳۳-۳۵).

## ۴-۲-۳. ارزیابی معنای «گمان» از واژه «ظن» و دلایل آن

گروه دیگری از مفسران، «ظن» در آیه مورد بحث را به معنای «گمان» گرفته‌اند و از طرق متعددی مدعای خود را ثابت می‌کنند که در ذیل به بیان آن خواهیم پرداخت.

## ۴-۲-۳-۱. کفایت «ظن» در اعتقاد به آخرت

بعضی از مفسران معنای راجح در ﴿مُلَاقُوا رَبَّهُمْ﴾ را اعتقاد به آخرت می‌دانند و معتقدند هر کسی باید به آن یقین حاصل کند، اما وجه ذکر «ظن» در آیه را کفایت آن در اعتقاد به آخرت می‌دانند.



این دسته از مفسران در توضیح وجه مذکور بیان می‌دارند: به نظر می‌رسد وجهش این باشد که برای حصول خشوع در دل انسان، ظنّ به قیامت و لقای پروردگار کفایت می‌کند، زیرا علومی که با اسباب تدریجی، به تدریج در نفس پدیدار می‌گردد، نخست از توجه و بعد شک و سپس به ترجیح یکی از دو طرف شک، که همان ظنّ است پدیدار شده است و در آخر، احتمالات مخالف به تدریج از بین می‌رود تا علم یا همان ادراک جزئی حاصل گردد. این نوع از علم وقتی به خطر هولناکی تعلق بگیرد سبب اضطراب و خشوع نفس می‌گردد. این اضطراب و خشوع از وقتی شروع می‌شود که یک طرف شک رجحان پیدا کند و چون امر مذکور، هولناک است، قبل از علم به آن و تمامیت آن رجحان نیز دلهره و ترس در نفس پدید می‌آورد. پس به کار بردن ظنّ در جای علم، برای اشاره به این است که اگر انسان متوجه شود پروردگاری دارد که ممکن است روزی با او دیدار کند و به سویش بازگردد، در ترک مخالفت و رعایت احتیاط، منتظر حصول علم نمی‌شود، بلکه همان ظنّ او را وادار به احتیاط می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۳).

**نقد و بررسی:** چنان‌که پیش‌تر بیان شد، رسیدن به لقای پروردگار به معنای علم به وجود پروردگار و عدم وجود حجاب میان بنده و خداوند است که این امر بی‌شک برای اولیای خداوند در دنیا محقق شده است، هرچند اکثر مردم در آخرت به این علم خواهند رسید. پس لقای رب متفاوت از لقای آخرت است و ممکن است در این دنیا نیز برای خواص بندگان خدا از جمله نمازگزاران خاشع محقق شود. در نتیجه، ظنّ به لقای رب به معنای ظنّ به معاد نیست، بلکه به معنای ظنّ به رسیدن به مقام علم به وجود الهی است که ممکن است در دنیا یا آخرت رخ دهد. شایان توجه است که توصیف مذکور در خصوص نمازگزاران خاشع است، پس به نظر می‌رسد آیه ناظر به کیفیت نماز ایشان باشد. در توضیح بیشتر باید گفت: نمازگزاران خاشع به گونه‌ای به نماز می‌ایستند که گویی در پیشگاه حق تعالی بدون هیچ حجابی حاضرند. در صورت اخذ چنین تعبیری، ظنّ ایشان به لقای رب، به عنوان یکی از اتفاقات قیامت نخواهد بود و ایشان در دنیا چنین ظنی دارند. البته ظنّ ایشان به لقای رب در غیر نماز نیز مفید همان بیانی است که گذشت. نکته دیگر آن است که هرچند «ظنّ» انسان را وادار به احتیاط می‌کند و از این رو، در اعتقاد به آخرت کفایت می‌کند، اما باید توجه داشت که آیه در خصوص مقام رفیع نمازگزاران خاشع است و ما نمی‌توانیم به توصیفی حداقلی از ایشان بسنده کنیم، زیرا برخلاف سیاق آیه است که به مدح و ستایش نمازگزاران خاشع پرداخته است و اقتضا می‌کند که توصیف از ایشان توصیفی حداقلی



نباشد، زیرا ظنّ به آخرت حالتی است که برای بسیاری از مردمان رخ می‌دهد و در این صورت، اتصاف نمازگزاران خاشع به این حالت فاقد مدح و ستایش ویژه است.

### ۲-۳-۲. تصرف در متعلق «ظن»

گروهی با تصرف در متعلق «ظن»، نیازی به تغییر معنای «ظن» از معنای اصلی خود ندیده و آن را به معنای «گمان» گرفته‌اند. اینان نیز خود به دو گروه تقسیم می‌شوند و در این‌که چه چیز متعلق «ظن» است اختلاف دارند.

**الف. فرجام نیک یا بد:** این دسته در متعلق «ظن» در آیه محل بحث تصرف کرده و قائل‌اند که متعلّق «یظنون» خود رستاخیز و ملاقات پروردگار نیست تا ناچار شویم «ظنّ» را به معنای «یقین» بدانیم، بلکه فرجام نیک یا بدی است که انسان به آن آگاه نیست و همواره احتمال می‌دهد در آزمون‌های بعد، ایمان و اعمال نیکش را از دست بدهد (ماوردی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۶). این برداشت در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نیز ذکر شده است: «الذین یظنون أنّهم ملاقوا ربهم و أنّهم إلیه راجعون» ... و إنما قال: یظنون لأنهم لا یدرون بما ذا یختم لهم و العاقبة مستورة عنهم؛ «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ أَنَّهِمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ...؛ و علت این‌که گفته شده «یظنون» این است که آن‌ها نمی‌دانند سرانجام به چه نتیجه‌ای می‌رسند و اوضاع پایانی بر آن‌ها پوشیده است (حسن بن علی (ع)، ۱۴۰۹، ص ۲۳۸).

**ب. ثواب و نعمت‌های الهی:** گروهی دیگر نیز همانند دسته قبلی در متعلق «ظن» در آیه مورد بحث تصرف کرده‌اند، اما بیان می‌دارند که گمان به لقای پروردگار، معنایش توقع داشتن مواجهه با ثواب پروردگار و نایل شدن به نعمت‌های الهی و طمع داشتن به آن نعمت‌هاست. به عبارت دیگر، ایشان ثواب و نعمت‌های الهی را متعلق «ظن» پنداشته‌اند (نک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۴).

**نقد و بررسی:** این گروه از مفسران برای رهانیدن خود از اشکال مورد بحث بعضی مفسران در خصوص ظنّ به لقای رب، در متعلق ظنّ تصرف نموده و حذف و تقدیر فراوانی را اعمال کرده‌اند. به نظر می‌رسد تا زمانی که بتوان بر اساس ظاهر، به اشکالات مذکور پاسخ داد، روی آوردن به مقدرات فرضی، اشتباه است.

### ۲-۳-۳. توجه به بلاغت قرآن از طریق تشبیه یا مجاز

گروهی دیگر نیز با توجه به شاهکار ادبی بودن و در اوج فصاحت و بلاغت قرار داشتن قرآن به



دلیل بهره‌گیری آن از صناعات و آرایه‌های متعدد ادبی، این آیه را متضمن «تشبیه» یا «مجاز» پنداشته‌اند که در ذیل بیان می‌کنیم.

**الف. تشبیه ضمنی بودن «ظنّ» به لقاء الله:** برخی از مفسران معاصر «ظنّ» به لقاء الله در آیه مورد بحث را متضمن نوعی تشبیه دانسته‌اند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۷)، مانند خشوع کسی که پیوسته آماده ملاقات است و خود را جمع‌وجور می‌نماید. آنگاه که در هنگام نماز، پرده‌های غرور و کوته‌بینی کنار می‌رود و عظمت و قدرت الهی بر انسان نمایان می‌گردد، خود را در محضر الهی حاضر می‌یابد و در برابر عظمت و جلالت او کوچک و ناچیز می‌شمارد و رسیدن به این سطح از ادراک و شعور در صورت نماز که خشوع باطن و خضوع جوارح است، نمایان می‌شود (نک: طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۷). ضمنی دانستن این تشبیه از این جهت است که مفسر بزرگوار ادات تشبیه را به درستی تبیین ننموده است.

**ب. مجاز از مرگ بودن «ملاقات رب»:** برخی دیگر نیز بیان داشته‌اند که «ملاقات رب» مجاز از مرگ است. ایشان در توضیح سخن خود بیان کرده‌اند که «ملاقات رب» مسبب و «مرگ» سبب است و مجاز مذکور در آیه با علاقه مسببیه است که مجازی مشهور می‌باشد. ایشان آیه را در مقام بیان این مطلب پنداشته‌اند که خاشعان کسانی‌اند که در هر لحظه گمان به مرگ دارند و همین سبب خشوع قلبشان گشته است (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۹۱).

**نقد و بررسی:** می‌توان پذیرفت که آیه به طور ضمنی دارای تشبیهی است. در توضیح باید گفت: ازان‌جاکه خداوند در مقام توصیف نمازگزاران خاشع است، توصیف او ناظر به کیفیت نماز خاشعان است و این با سیاق سازگارتر است، به این صورت که نمازگزاران خاشع به گونه‌ای به نماز می‌ایستند و آن را به جا می‌آورند که گویا در ملاقات با خداوند متعال‌اند. به نظر می‌رسد نه تنها هیچ محذوری در به کار بردن این استدلال نیست، بلکه با سیاق نیز هماهنگی بیشتری دارد.

درباره گروهی که ملاقات رب را مجاز از مرگ می‌دانند، باید گفت: به نظر می‌رسد این گروه وقوع لقای رب را لزوماً در آخرت می‌پندارند، درحالی‌که این دیدگاه برخلاف سخن ما در خصوص لقای رب و امکان وقوع آن در دنیا، و برخلاف ظاهر آیه است.

#### ۴-۳-۲. حقیقت لقای رب فراتر از ظرفیت دانش انسان

گروهی از طریق استدلال کلامی، بیان می‌دارند که در این مورد ظن بلیغ‌تر از یقین است، زیرا



نه تنها یقین، بلکه ظن به ملاقات رب نیز موجب خشوع و نگرانی می‌گردد، چنان‌که همه نگرانی‌ها، امیدها و جنب‌وجوش‌ها از «ظن» برمی‌خیزد. می‌توان گفت به عبارتی آیه در مقام تقریع و توییح مخاطبان است، زیرا آنان اگر ظن به ملاقات رب داشته باشند نباید چنین سرکش باشند، حال آن‌که آنان خود را اهل یقین می‌دانند (مراغی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۷؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۷). همچنین علت کاربرد ظن به جای یقین در این نکته است که درک حقیقت لقای رب فراتر از ظرفیت دانش انسان است و انسان، ناگزیر در تصور این حقیقت، به چیزی بیش از گمان راه نخواهد برد (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۶).

**نقد و بررسی:** طبق این دیدگاه، واژه ظن در این آیه و نظایر آن موضوعیت دارد و تغییر معنای آن از گمان به علم و یقین، مستلزم فاصله گرفتن از مقاصد وحی است. به نظر می‌رسد دو نکته قابل نقد در سخنشان وجود دارد: اولاً هرچند استدلال ایشان در خصوص معنای ظن، مطابق با ظاهر است، اما این گروه نیز توصیف مذکور از خاشعان را در مقام سبب خشوع آنان می‌پندارند، زیرا بیان می‌دارند: ظن به ملاقات رب نیز موجب خشوع و نگرانی می‌گردد. اما همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، آیه در مقام بیان سبب خشوع نیست. ثانیاً در پاسخ به این گفتارشان که می‌گویند: درک حقیقت لقای رب فراتر از ظرفیت دانش انسان است و انسان، ناگزیر در تصور این حقیقت به چیزی بیش از گمان راه نخواهد برد، باید گفت که این سخن برخلاف آیه دوم سوره رعد است که خداوند می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا... يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» (رعد/ ۲)، زیرا اگر امکان یقین به لقای پروردگار نبود، خداوند نسبت به بندگانش امید به «یقین به لقای رب» نمی‌داشت.

#### ۴-۲-۳-۵. ظن قلبی بالاتر از یقین عقلی

برخی دیگر از مفسران با توجه به ظاهر آیه مورد بحث، «ظن» را به معنای گمان گرفته‌اند. اما برای پاسخ به این اشکال مقدر که چگونه ظن به لقاء الله با خشوع سازگار است، وارد مراتب «ظن» شده و «ظن» در این آیه را «ظن» قلبی دانسته‌اند که از نظر ایشان از یقین عقلی نیز بالاتر است (نک: صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۸۸-۳۸۹). ایشان برای اثبات ادعای خود به آیه «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (حدید/ ۱۶) استناد و بیان کرده‌اند: خداوند در این آیه که خطاب به مؤمنان است، توصیه به خشوع می‌کند و آن را از حالات قلب بیان می‌دارد. ایشان از کلام اخیر نتیجه گرفته‌اند



که ظن خاشعان در «يُظُنُّونَ» نیز ظن قلبی است که در مقابل یقین است و چه بسا از یقین عقلی که در برابر علم است، بالاتر باشد: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (نمل/۱۴) و از این آیه به خوبی مستفاد می‌گردد که ایمان واقعی غیر از علم و یقین دارد، و ممکن است کفر از روی جحود و انکار در عین علم و یقین سرزند. البته از ظاهر واژگانی همچون «ظُلْمًا وَعُلُوًّا» و «مُفْسِدِينَ» استفاده می‌شود که مقصود از یقین، یقین عقلی است نه قلبی، زیرا یقین قلبی بالاترین مرتبه ایمان است که تسلیم و اطاعت را به همراه دارد، نه ظلم، برتری جویی و فساد را.

در توضیح بیشتر باید گفت: ظن مراحل دارد. ظن عقلی پس از تحقیق، تبدیل به یقین عقلی می‌گردد. در مرحله بعد، یقین عقلی بر اثر مراتب خشوع و ایمان تبدیل به ظن قلبی می‌گردد و در مراحل بعدی، تبدیل به یقین قلبی می‌شود که بالاترین مرحله ایمان است. از این رو در آیات متعددی، واژه «ظن» در سیاق مدح استعمال شده که بیانگر ظن قلبی است که از یقین عقلی نیز بالاتر است، زیرا ظن قلبی در جایگاه یقین است، اما یقین عقلی در جایگاه علم است: «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره/۲۴۶)؛ «إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةٍ. فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ» (حاقه/۲۵)؛ «وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُنْجِزَهُ هَرَبًا» (جن/۱۲). همچنین باید گفت: همان‌طور که رسیدن به ظن قلبی دفعه‌ای حاصل نمی‌گردد و با طی مراحل به دست می‌آید، خشوع نیز چنین است و آیه لزوماً در مقام معرفی خشوع اهل یقین نیست (نک: صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۸۸-۳۸۹).

این گروه از مفسران در تأیید سخن اخیر، بیان می‌دارند که آیه مذکور با آیه «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف/۱۱۰) هم‌مضمون است، زیرا در آیه مذکور، رجا به لقاء پروردگار، در واداشتن انسان به عمل صالح کافی دانسته شده است (نک: صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۹۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۵۳).

**نقد و بررسی:** در این دیدگاه، مفسر بزرگوار با استناد به آیه ۱۶ سوره حدید که در آن خشوع، از حالات قلب دانسته شده است، «ظن» در آیه محل بحث را نیز ظن قلبی می‌داند. اما ملازمه‌ای بین این دو وجود ندارد، زیرا خاشع می‌تواند ظن عقلی به امری نیز داشته باشد.

#### ۴-۲-۴. دیدگاه برگزیده و دلایل آن

به نظر می‌رسد تا زمانی که حمل آیه بر ظاهرش امکان‌پذیر است، اخذ معنایی برخلاف ظاهر آن



اشتباه باشد. برای اثبات امکان حمل ظن بر معنای ظاهری آن، باید به متعلق آن که «لقای رب» است، استدلال کرد. چنان‌که گفته شد، لقای هر چیز علم یافتن به وجود آن است، به‌طوری که دیگر میان آن دو حجابی نباشد. پس وقوع چنین لقایی هم در دنیا برای اولیای خداوند، و هم در آخرت برای همگان امکان‌پذیر است. در آیه محل بحث، «لقای رب» در بستر دنیا محقق شده است که در ادامه به بیان ادله آن می‌پردازیم.

#### ۱-۴-۲. توصیف حداقلی خداوند در صورت اخذ معنای لقای رب در آخرت

اگر مراد از لقای رب در آیه را در بستر آخرت بدانیم، شاهد توصیفی حداقلی از نمازگزاران خاشعی هستیم که به استناد آیه ۱۶ سوره حدید که پیش‌تر بیان شد، دارای مرتبه‌ای بالاتر از ایمان‌اند. در توضیح باید گفت: لقاء الله در بستر آخرت برای همگان اتفاق می‌افتد و امری بسیار محوری در اعتقاد ما به معاد است، به‌طوری که خداوند کفر به «لقای رب» را علت انکار معاد می‌داند: «وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ» (سجده/۱۰) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۵۱). پس می‌توان گفت: وقتی نمازگزاران خاشع ظن به علت دارند، طبعاً نمی‌توانند یقین به معلول داشته باشند. در نتیجه، بعید نیست که ایشان ظن به معاد داشته باشند، حال آن‌که هر چند ظن به لقاء الله کفر نیست، همچنان‌که خداوند در آیه «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (عنکبوت/۵)، رجا به لقای رب را نیز مدح کرده است، لکن این با مقام نمازگزاران خاشع ناسازگار است و به نظر می‌رسد این امر برخلاف اسلوب قرآن باشد، زیرا خداوند وقتی در مقام توصیف گروهی، آن‌هم خاشعان برمی‌آید، حد اعلای آن توصیف را بیان می‌کند.

شایان ذکر است اشکال ناسازگاری ظن خاشعان به لقای رب در بستر آخرت، جز سخن مفسرانی است که اشکال بحث را در آن می‌یافتند که ظن موجب خشوع نمی‌گردد، زیرا آن بیان ناظر به رابطه سببیت میان ظن و خشوع است، حال آن‌که آیه در مقام سببیت ظن برای خشوع نیست.

#### ۲-۴-۲. مطابقت ظن خاشعان به لقای رب در بستر دنیا با ویژگی خشوع ایشان

اگر مراد از لقای رب در آیه را در بستر دنیا بدانیم، ظن به آن، با جایگاه نمازگزاران خاشع سازگار است، زیرا از آن‌جا که مقام لقاء الله در دنیا خاص اولیای الهی است، نمازگزاران خاشع ظن به رسیدن به چنین مقامی دارند و این با صفت خشوع ایشان سازگارتر است، چرا که یقین به رسیدن



به چنین مقام عظیمی در دنیا نشان از تکبر است نه خشوع. اما اگر مراد لقای رب در بستر آخرت باشد، از آن جاکه برای همگان اتفاق می افتد، یقین به آن، نشان از تکبر ندارد.

### ۳-۴-۲-۴. وقوع لقای رب در نماز خاشعان

با توجه به سیاق آیات، به نظر می رسد که ظن خاشعان به لقای رب در بستر نماز محقق گردیده است. در توضیح باید گفت: «الَّذِينَ» در ابتدای آیه ۴۶، ناظر به نمازگزاران خاشع است نه صرف خاشعان و این به روشنی از آیه گذشته به دست می آید و اگر کسی این سخن را رد کند، در حقیقت ارتباط این آیه با آیه قبل را رد کرده است. در نتیجه، توصیف نمازگزاران خاشع در آیه ۴۶ سورۀ بقره طبعاً ناظر به امری است که در آیه قبل آمده است: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...» (بقره/۴۵)، زیرا خداوند بیان می دارد که خاشعان به خوبی از نماز استعانت می جویند: «...وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره/۴۵) و آیه بعدی، در مقام توصیف کیفیت استعانت خاشعان از نماز است. خداوند در این توصیف می فرماید: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۴۶). به نظر می رسد روشن ترین راه برای فهم کیفیت استعانت خاشعان از نماز، خود نماز ایشان باشد نه اعتقادی دیگر همچون معاد که به نحوی مرتبط با آن باشد. در نتیجه، به نظر می رسد ظن ایشان به لقای رب در بستر نماز محقق شده است، یعنی کیفیت نماز خاشعان به قدری است که ایشان در نمازشان حائل و حجابی میان خود و خدا نمی بینند و در حقیقت، به لقای رب رسیدند. وجه ذکر ظن به چنین لقای، همان طور که بیان شد، به سبب خشوع ایشان است. این استدلال نیز موافق با ظن خاشعان به وقوع لقای رب در بستر دنیاست، زیرا نماز ایشان در بستر دنیاست.

### سپاسگزاری

این مقاله مستخرج از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی مفهوم واژه ظنّ در قرآن با تأکید بر سیاق قرآنی» است. از استاد راهنما، دکتر صاحبعلی اکبری و اساتید داور، دکتر عباس اسماعیل زاده و دکتر غلامرضا رئیسیان، کمال تشکر و سپاسگزاری خود را عرضه می دارم.

### نتیجه گیری

دیدگاه مفسران در خصوص معنای واژه «ظَنُّ» در آیه ۴۶ سورۀ بقره به سه دسته قابل تقسیم است. اکثر مفسران ظن را به معنای یقین و برخی دیگر آن را گمان متمایل به یقین می دانند



و گروه سوم، ظن در آیه مورد بحث را حمل بر ظاهر می‌کنند. همچنین آنان مقصود از «لقای رب» را مساوی با معاد یا یکی از اتفاقات آن پنداشته‌اند و برای اثبات مدعایشان استدلال‌هایی کرده‌اند که جملگی قابل نقد است. آنچه از ظاهر این آیه به دست می‌آید آن است که «لقای رب» در بستر دنیا برای خاشعان محقق شده است و از این رو هیچ محذوری برای حمل واژه «ظن» بر معنای ظاهری‌اش یعنی «گمان» وجود ندارد. دلایل این برداشت از آیه علاوه بر ناتمامی و نقدپذیر بودن دیدگاه‌های گذشته، عبارت‌اند از:

۱. حداقلی بودن توصیف خداوند از نمازگزاران خاشع در صورت تحقق «لقای رب» در آخرت، زیرا در این صورت به نظر می‌رسد این امر برخلاف اسلوب قرآن باشد، زیرا خداوند وقتی در مقام توصیف گروهی، آن‌هم خاشعان برآید، حد اعلای آن توصیف را بیان می‌کند.
۲. مطابقت ظن خاشعان به لقای رب در بستر دنیا با ویژگی خشوع ایشان، زیرا یقین به رسیدن به چنین مقام عظیمی در دنیا نشان از تکبر است نه خشوع. اما اگر مراد لقای رب در بستر آخرت باشد، از آن جاکه برای همگان اتفاق می‌افتد، یقین به آن، نشان از تکبر نیست.
۳. وقوع لقای رب در نماز خاشعان. به نظر می‌رسد ظن ایشان به لقای رب در بستر نماز محقق شده است، یعنی کیفیت نماز خاشعان به قدری است که ایشان در نمازشان حائل و حجابی میان خود و خدا نمی‌بینند و در حقیقت، به لقای رب رسیدند. وجه ذکر ظن به چنین لقای نیز به سبب خشوع ایشان است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). **التوحید**. قم: جامعه مدرسین
۲. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
۴. آقایی زاده ترابی، احمد. (۱۴۰۰ش). «بررسی آراء مفسران در فلسفه به کارگیری «گمان به رستخیز» به جای «یقین به آخرت» در تفسیر آیه ۴۶ بقره». **نشریه مطالعات تفسیری**، ش. ۴۷، ص ۹۹-۱۱۲.
۵. تفلّیسی، حبیبش بن ابراهیم. (۱۳۷۱ش). **وجوه قرآن**. تهران: دانشگاه تهران.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱ش). **تسنیم**، (تحقیق عبدالکریم عابدینی). قم: اسراء.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). **الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه**. بیروت: دار العلم للملایین.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعه**. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. حسن بن علی (ع). (۱۴۰۹ق). **التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن بن علی العسكري علیهما السلام**. قم: مدرسه الإمام المهدی (ع).
۱۱. خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۳ش). **روش، گرایش و قواعد تفسیری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای**. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۲. دامغانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۶ق). **الوجوه و النظائر لألفاظ کتاب الله العزیز**. قاهره: إحياء التراث الإسلامی.
۱۳. رازی، ابوالفتح حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. بیروت: دار القلم.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷ش). **منطق تفسیر قرآن (۱)**. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). **الکشاف**. بیروت: دار الکتاب العربی.
۱۷. ساجدی، مریم. (۱۳۹۸ش). «کاربرد ظنّ در قرآن کریم: تأملی پیرامون اقوال مفسران در تفسیر «ظنّ» به یقین». **دین و دنیای معاصر**، ش ۱۰، ص ۱۰۱-۱۲۶.
۱۸. شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۶). «پژوهشی در معنای ظن و جایگاه معرفتی و اخلاقی آن در قرآن». **نشریه مقالات و بررسی‌ها**، ش ۳، ص ۱۰۷-۱۲۵.
۱۹. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). **نهج البلاغه**. قم: هجرت.



۲۰. صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق). **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة**. قم: فرهنگ اسلامی.
۲۱. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۱۸ق). **دروس فی علم الأصول**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۲. طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲ش). **پرتوی از قرآن**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
۲۵. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار المعرفه.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). **مجمع البحرین**. تهران: المكتبة المرتضویه.
۲۷. عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). **الفروق فی اللغة**. بیروت: دار الآفاق الجدیده.
۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). **تفسیر العیاشی**. تهران: مكتبة العلمیة الإسلامیة.
۲۹. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). **کتاب العین**. قم: هجرت.
۳۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). **القاموس المحیط**. بیروت: منشورات محمد علی بیضون.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). **المصباح المثیر**. قم: دار الهجره.
۳۳. قائمی نیا، علیرضا. (۱۴۰۱ق). **معناشناسی شناختی قرآن**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). **تفسیر القمی**. قم: دار الکتاب.
۳۵. ماوردی، علی بن محمد. (بی تا). **النکت و العیون**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۶. مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). **تفسیر المراغی**. بیروت: دار الفکر.
۳۷. مسعودی، عبدالهادی. (۱۳۹۵ش). **تفسیر روایی جامع (۲)**. قم: دار الحدیث.
۳۸. مصطفوی، سید حسن. (۱۴۳۰ق). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۹. مطرزی، ناصر بن عبدالسید. (۱۹۷۹م). **المغرب فی ترتیب المغرب**. حلب: مكتبة اسامة بن زيد.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران. (۱۳۷۱ش). **تفسیر نمونه**. تهران: دار الکتب الإسلامیة.